

تاریخ موسیقی ایران

حسن مشحون





مرکز موسیقی بتهوون شیراز

چاپ اول: ۱۳۸۰

تعداد: ۲۲۰۰ نسخه

حق هرگونه چاپ و تکثیر برای فرهنگ نشر نو محفوظ است.

مشحون، حسن
تاریخ موسیقی ایران / تألیف حسن مشحون؛ ویراستار شکوفه شهدی. —
تهران: فرهنگ نشرنو، ۱۳۸۰.
پاپزده + ۸۱۲ ص؛ مصور، عکس.
ISBN: 964 - 92731 - 4 - X
نهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابخانه.
۱. موسیقی ایرانی -- تاریخ و تند. ۲. موسیقی دانان ایرانی. الف. عنوان.
۷۸۸/۰۹ م ۵ / ۲۷۵۶ ML
۱۳۸۰
کتابخانه ملی ایران

حروفچینی و آماده‌سازی چاپ: شرکت قلم

چاپ: چاپخانه مهارت

فهرست مطالب و مندرجات

پیشگفتار

درآمد اول

تعریف موسیقی — پیدایش موسیقی — پیدایش سازهای موسیقی

درآمد دوم

تمدنهاي پيشين و پيوند آنها با تمدن ايران باستان

موسیقی در ایران:

دوره اول: از آمدن نژاد آریایی به سرزمین ایران تا انقراض سلسله ساسانی ۷۵—۲۹

فصل اول: آریایی ها — مادها — دولت هخامنشی و تمدن جدید — کهن‌ترین آثار شعر و

موسیقی نژاد آریا — آلات و ادوات موسیقی عصر هخامنشی ۴۱—۲۹

فصل دوم: ساسانیان و شعر و موسیقی در دوره آنان ۵۳—۴۳

فصل سوم: موسیقیدانان و رامشگران عصر ساسانی ۷۵—۵۵

دوره دوم: از طلوع اسلام در ایران تا عصر حاضر ۷۳۷—۷۷

فصل چهارم: موسیقی ایران پس از اسلام ۱۰۸—۷۷

فصل پنجم: شعر و موسیقی در دوره عباسیان ۱۳۷—۱۰۹

فصل ششم: دانشمندان موسیقیدانان و آثار آنان در ایران پس از اسلام تا حمله مغول ۱۶۸—۱۳۹

فصل هفتم: هجوم مغول و دگرگونی اوضاع ایران — تصوف و رواج موسیقی — دانشمندان

و توبیخندگان، کتابها و رساله‌های موسیقی در عهد مغول ۱۹۲—۱۶۹

فصل هشتم: موسیقی از دوره تیمور تا ظهور صفویه ۲۶۹—۱۹۳

- فصل نهم: ظهور دولت صفوی و وضع هنر و موسیقی — موسیقی مذهبی — نقاهه — شعرو
تصنیف — موسیقی دانان و نوازندگان — کتابها و رساله‌های موسیقی ۲۷۱ — ۳۵۰
- فصل دهم: اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و وضع هنر و هنرمندان در آستانه تشکیل
سلسله قاجاریه — موسیقی ایران در دوره قاجار — تاریخچه تنظیم موسیقی ایران در هفت
دستگاه ۳۵۱ — ۳۷۰
- فصل بازدهم: رواج موسیقی در عصر قاجار — رامشگران دربار فتحعلی‌شاه — خوانندگان و
نوازندگان معروف ایلات و ولایات — موسیقی دانان دربار محمدشاه — موسیقی در عصر
ناصرالدین شاه ۳۷۱ — ۴۳۱
- فصل دوازدهم — (بخش یک): تأسیس آموزشگاه موزیک نظامی — تصنیف در دوره
قاجاریه و تصنیف سازان — بزرگترین نوازندگان و استادان موسیقی در دوره قاجاریه و پس
از آن — (ستور — قانون — پیانو — رباب — غرک — کمانچه — طببور — تار — عود —
بریط) — نوازندگان تار در عصر قاجاریه ۴۳۳ — ۵۷۹
- (بخش دو): استادان و نوازندگان ویلن ۵۸۱ — ۶۱۳
- (بخش سه): حکایت نی و نوازندگان آن ۶۱۵ — ۶۲۶
- پیداپیش وزن و تعریف و حدود ایقاع — دف، تنبک (ضرب) — استادان نوازنده ضرب
(بخش چهار): پیوستگی شعر و موسیقی — شیوه خوانندگی — سبک‌های خوانندگی در
عصر قاجار — خوانندگان عصر قاجار و پس از آن — بانوان خواننده — سازندگان آلات و
ادوات موسیقی — تحولات موسیقی ایرانی در مسیر تاریخ و چگونگی موسیقی در زمان
حاضر ۶۵۳ — ۷۰۳
- (بخش پنجم): تقسیم موسیقی ایران به لحن، نغمه و دایره‌های ایقاعی و ضربها — خلاصه
چگونگی موسیقی ملی ایران در سیر تاریخی خود ۷۲۱ — ۷۳۷
- فهرست‌های پیوست: اسامی آلات موسیقی — اسامی مسلسله‌ها و خاندانها — اسامی
مکانها — اسامی واصطلاحات متداول در موسیقی — اسامی خاص — اسامی کتاب‌ها و
رسالات ۷۳۹ — ۸۱۶

هو

از کجای عرش می آیی فرود
می بری بالا مراتا ساق عرش
از مکانم می بری تalamkan
عرصه گامی است تا بام فلک *

آه ای موسیقی عرشی سرود
چون فرومی آیی از آفاق عرش
با کمند سورِ ماہ آسمان
با پروبال توای رشک ملک

آن روزها که کاست و ضبط نبود لذت جشن از ساز و آواز و بهره‌وری از نغمه‌های سکوتی موسیقی از پنجه و حنجره اساتید فن خلاف امروز که صنعت الکترونیک آنرا برای همه بیش و آسان ساخته است کمیابی بود ارزانی بعض صاحب دلان فارغ بال، و مردان خوش ذوق و حل؛ پدرِ من یادش خوش و روشن شاد مردی ازین جمع بود. او که عمر را در کار دل صرف کرد و تایمی به کام داشت اغلب میزبان بزرگانی بود که در نوازندگی و خوانندگی شهرتشان قاف تا ڈف ملک هنر را پیموده بود.

در خردی هر وقت چنین جمیعی در منزل ما یگرد می آمدند به تماشای ایشان می‌رفتم و همراه نگاهم جذب کسی می‌شد که حالتی متفاوت از دیگران داشت؛ به این معنی که ساکت و حسنه کناری می‌نشست، نه سخنی می‌گفت و نه نُقلی می‌خورد، گویی در مجمع پریان نشسته و بیک است که اگر بجنبد همه غیب شوند.

نامش حسن مشحون بود، جوانی نجیب، مهربان و فرهیخته. در آن زمان که تحصیلات دستگذگی تازه باب شده بود وی از زمرة نخستین فارغ التحصیلان رشته تاریخ و جغرافیا بود. آنقدر سرمه حترام و اعتماد پدرم بود که خواهه‌زن خود را برای او از پدرش خواستگاری کرد و دیری نپایید که حد نه من به خانه او رفت. پس از آن معاشرت ما با او بیشتر شد من اغلب به خانه خاله می‌رفتم و درجه سرگذر می‌شدم اورا بهتر می‌شناختم و بیشتر دوستش می‌داشتم. او دیگر به منزله عمومی من

* برگزert از شعر «ای موسیقی» ص ۴۹۱ دیوان امیری فیروزکوهی

بود. همه می‌دانستند که شیفتۀ موسیقی است، هر وقت به خانه اش می‌رفتی از صدای سه تار می‌توانستی بدانی که او در آنهاست. وی از طریق رشته تحصیلی اش یعنی تاریخ مجدوب موسیقی شده بود. پرسش نقل می‌کند. که می‌گفت: «حس کنگارکاوی مرا برانگیخته بود که بدانم در دورۀ باستان در عهد کورش و داریوش موسیقی چه گونه بوده است، می‌خواستم آهنگ نعمه‌هایی را که در کاخ تحت جمشید مترنم بود از دهلیز پیچ در پیچ زمان، از دوردست‌های قرون و اعصار بشنوم. بلی تحسین محرک من تاریخ بود. به کشف سیر تاریخی موسیقی و آنگاه تدوین کتابی درین باره متمایل شدم، سپس به تحصیل علم آن و آموختن آوازها و گوشه‌ها و نواختن سه تار نزدیکی از اساتید فن همت گماشتم.»

برادر کوچکتر او جناب دکتر علی مشحون در شرح حال جد پدرش می‌گفت:

«در تور حوزه علمیه ای بود که نام و اعتباری داشت و از اطراف مازندران طلاب بدانجا می‌آمدند و تحصیل می‌کردند از زمرة شاگردان مشهور این مدرسه مجاهد کبیر مرحوم آقا شیخ فضل الله نوری را باید نام برد. جذّ ما موسوم به شیخ عبدالکریم طبله این مدرسه بود. پس از فراغت از تحصیل به تهران آمد و در مسجدی که با مرناصرالدین شاه در کاخ گلستان برای بانوان حرم دایر شده بود به امامت مشغول شد. پدر ما مشهور به آقا شیخ محمد نوری پسر او بود. نامبرده در تهران متولد شد و همینجا تحصیل کرد، تخصیت مؤذن مسجد کاخ و پس از فوت پدر پیش‌نماز آن جا شد. در اینجا که به مسجد ارگ و دارالفنون شهرت یافت وی دوبار اقامه جماعت می‌کرد، باری برای شاگردان مدرسه و بار دیگر برای اهل محل. یکی از درباریان بنایه مرسوم عهد نذر کرد که دختر خود را به آقا شیخ بدهد، او از مشروطه خواهان بود و صد سوار داشت و هنگامیکه داما داش به جرم مخالفت با مشروطه همزاه آقا شیخ فضل الله نوری و آقای آملی در سربازخانه ای در محل زندانی بود و بیسم مرگ او می‌رفت به باری وی شتافت و همان شب که فردایش مرحوم شیخ فضل الله را شهید کردند اورا از زندان آزاد کرد. مرحوم آقای آملی هم به دلیلی که من نمی‌دانم با او آزاد شد. از پدرم شنیدم که گفت: وقتی در زندان بودیم مرحوم شیخ فضل الله به ما می‌گفت: «مرا اعدام می‌کنند اما شماها آزاد می‌شوید»، و همان شد که این گذشت. پس آن آقای آملی مشهور به شیخ محمد تقی سال‌ها پیش‌نماز مسجد مجدد بود و پس از اعلام مشروطه پدر من دوباره امام جماعت مسجد ارگ شد و تا پایان عمر در آن سمت باقی ماند. در بحیجه مشروطه خواهی شخصی بنام میرزا فتح الله در خیابان باب‌همایون باو تیراندازی کرده بود که به هدف نخورد و بعد از هم از هواخواهان جدی پدرم شد. وی در ارگ دکان عطاری داشت، مرد متبدی‌بینی بود که چندین قرآن به خط خود کتابت کرده بود. پدر مادر می‌مال هزار و سیصد و ده شمسی درگذشت. ما چهار برادر و سه خواهر بودیم».

مرحوم حسن مشحون مؤلف این کتاب در ازدیبهشت هزار و دویست و هشتاد و پنج شمسی در

محله ارگ تهران به دنیا آمد. وقتی تحصیل متوسطه را تمام کرد و از دارالفنون فارغ التحصیل شد قرار بود همراه محصلین اعزامی به اروپا برود، مشاهده گریه و بی تابی مادر او را از این سفر منصرف کرد، به دانشسرای عالی رفت و در سال ۱۳۱۲ با احراز رتبه اول در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفت. خدمت دولت را از تصدی ریاست مدرسه امریکایی شیراز شروع کرد، پس از دو سال راهی مشهد و همدان شد و چند سال بعد به تهران آمد، در دبیرستان های البرز و دارالفنون سالها تدریس کرد پس از آن چند سال در سمت مدیر کلی فرهنگ استان مازندران، ریاست اداره محاکمات وزارت فرهنگ و مدیریت کل باستانشناسی بود تا در سال چهل و هفت از خدمت بازنشسته شد. بعد از آن دو سالی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس تاریخ موسیقی پرداخته بود. نامبرده از سال پنجاه بیمار شد و به تدریج نیروی حرکت را از دست داد سرانجام در شبانگاه دوشنبه ۲۸ خرداد ماه سال ۵۹ در تهران دارفانی را بدرود کرد و روحش در جوار رحمت حق آرام گرفت.

آقای مشحون در سال ۱۳۲۳ با خانم نصرت درگاهی ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد. فرزندانش تحصیلات عالی خود را در امریکا تمام کردند. پسرش دکتر بهرام مشحون از دانشگاه پرینستون در رشته فیزیک دکتری گرفت و اکنون استاد دانشگاه میسوری و از محققان با اعتبار فیزیک کیهانی است.

مرحوم مشحون مردمی خوش نام، وظیفه شناس، سخت کوش و از فرهنگیان نخبه و دانشمند کشور بود. در طول خدمت فرهنگی چندین نشان از دولت ایران و ایتالیا و فرانسه به دست آورد. جزء کتاب حاضر (تاریخ موسیقی ایران) جزوی ای موسوم به شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری در سال ۱۳۱۵ در شیراز (چاپخانه موسوی) منتشر ساخت و یک دوره کتب درسی تاریخ و جغرافیا برای دبیرستانها به همراه دو تن از همکاران تألیف نمود. در جوانی رغبتی هم به شاعری داشت و ایاتی می سرود.

و اما کتاب تاریخ موسیقی ایران تا چاپ و انتشار راه درازی آمده است. سی چهل سال منتظر تألیف مانده و بیست سال معطل چاپ. تعویق چاپ از آن روی که تا زمان تألیف طی شد و دست نوشه ها به ماشین نویس سپرده گشت مؤلف بیمار شد و هفت سال بقیه عمر را گرفتار خانه نشینی و فلنج تدریجی بود، او دیگر نتوانست اوراق تایپ شده را هم غلط گیری کند. سپس انقلاب اسلامی پیش آمد، وزارت فرهنگ و هنر که عهده دار چاپ کتاب بود بسته شد، اوراق آنرا دست هم ریختند و مچاله و نامرتب درون دوگونی جای داده در گوشہ زیرزمین وزارت خانه گذاشتند. سالی نگذشت که آقای مشحون به رحمت الهی پیوست و کتابی که او عمر خود را به پایش ریخته بود ناتمام و سرگردان در کنچ آن زیرزمین تاریک به انتظار انتشار بماند.

در اوایل سال شصت و سه شبی روانشاد اکبر زوار که مردی اهل و دوستدار کتاب بود به خدمت استاد امیری فیروزکوهی آمد و سراغ آن تألیف را گرفت. ایشان قول دادند تا از خانواده مشحون خبر صحیح و اجازه انتشار کتاب را به دست بیاورند. بزودی با پیغام رسید که اوراق تایپ شده در وزارت فرهنگ و هنرست و ایشان می‌توانند به آنجا مراجعه کرده و آنها را پس بگیرند و چاپ کنند. در اواسط سال مذکور استاد امیری هم درگذشت و هنوز از کتاب خبری نبود.

دو سال بعد که برای چاپ کتابی مرحوم زوار را دیدم با نویسیدی به من خبر داد که هرچه سعی کردم نتوانستم آن اوراق تایپ شده را که بسیار کمنگ و ناخواناست دست هم مرتب کنم و چیزی از آن بفهمم، آنرا به منزل شما می‌اورم تا خود تصمیم بگیرید. فردآگونی‌ها را آوردند، این دیگر به منزله پایان کار بود. قاعده‌تاً این محموله را باید می‌سوزاندم و یا در گوشه‌ای رهایی کردم. هیچ کس از فامیل مشحون به دنبال آن نبود و کتاب او کاملاً غریب و تنها مانده بود. حال عجیبی داشتم انگار یادگارهای کودکی و جوانی من هم در لابلای این اوراق می‌خواست تباشد.

یاد آن جمع نادر عجیب افتادم که اغلب در خانه خودمان و یا در منزل آقای مشحون می‌دیدم، آنها که هیچ‌کدام بی‌رنج و گرفتاری نبودند و موسیقی پناهگاه همه‌شان بود؛ آن مجنون شیدا که فقط برای دل خود ویولون می‌زد و پیوسته با مشوقش ماه آسمان که اورا خانم خطاب می‌کرد در گفت و گویود، آن استاد سه تار که بیمار بود و طبیب کیسه‌ای پهلویش آویخته بود، آن پیر کهنسال که تقدیق چوبدستی‌ها از دور دست راهرو آمدنش را اعلام می‌کرد، آن خواننده که گویا آسم داشت و یا قلبش خراب بود و به سختی نفس می‌کشید اما وقتی می‌خواند همه را سحر می‌کرد. آن استاد نایسنای آراسه و خوش قیافه که با چشم شاگردش اینجا و آنجا می‌رفت، آن پدر پیوسته تبدار من که درین جمع جان می‌گرفت و بیماری را از یاد می‌برد و آقای مشحون که سرایا گوش بود و ازین و آن مدام سؤال می‌کرد و در دفتر چیزی می‌نوشت.

تصمیم گرفتم نسخه دست نویس او را پیدا کنم. از بخت خوش آنرا در چمدانی باز هم در زیر زمین خانه اش یافتم حالا می‌توانستم با صرف وقت و حوصله کاغذها را مرتب و شماره گذاری کنم، درست سه ماه روزی چند ساعت صرف این کار شد. سپس از خانم شکوفه شهیدی دوست و بسته عزیز خود درخواستم تا کتاب را ویرایش کند، با وجود مشغله بسیار پذیرفت و گرچه کار خیلی بیش از زمان معمول بدرازا کشید معلمک انجامی خوش داشت، خداش خیر دهد. متأسفانه در کشاکش حروف چینی و غلط گیری خبر رسید که ناشر کتاب آقای زوار ناگهان از دنیا رحلت کرد، روانش شاد که اگر کوشش و پشتکار او نبود هیچ گاه این کتاب به پایان نمی‌رسید.

تنظیم فهرست‌ها را که بسیار مفصل است بعهده دانشجوی ساعی و صبور و رفیق خود عصمت اسماعیلی گذاشتم وی به یاری سعیده وام بخش آنها را مرتب کرد، بدین وسیله از این دو

دوست عزیز قدردانی می‌کنم.

و اما بضاعتی که من صرف کردم همان دلسوzi و عاطفه‌ای بود که شرحش گذشت، سحرگ من نوستالژی ایام کودکی و نوجوانی بود؛ گم گشته‌ای که سراغش را از این کتاب می‌گیرم، آن ایامی که در مهد شعر و موسیقی سپری شد. از سال شصت و شش تا امروز پیوسته ذهن و ضمیرم درگیر سامان دادن این کتاب بوده است بعلاوه که کل کارها و ملاحظات را شخصاً سهده‌دار شدم و سه بار تمام آنرا از بای بسم الله تا تای تمت خوانده و اصلاح کردم. ترمیم مابقی کاستی‌ها را بعده خوانندگان صاحب نظر و امی‌گذارم و از تذکر و راهنمایی آنان سپاسگزار می‌شوم. بلی کتابی که باید بیست سال پیش منتشر می‌شد تا هم مؤلف چشم به دیدار حاصل رنج چهل ساله خود روشن کند و هم تازگی و نوی آن از دستبرد حوادث مصون ماند به اراده قائد قضا و حکم او امروز به زیور چاپ آراسته می‌گردد.

هزار نقش برآرد زمانه و نسبود یکی چنانکه در آیینه تصور ماست
بمنه و کرمه بیست و پنجم اسفند هفتاد و یک
امیر بانوی کریمی (امیری فیروزکوهی)
استاد دانشگاه تهران

پیشگفتار

غرض از نگارش این کتاب بیان سرگذشت موسیقی ایران در طول تاریخ و شمه‌ای از چگونگی آن، نیز شرح تحول، تغییرات، عوامل و حواله‌ی است که در دورانهای گوناگون در ترقی و نزل و رکود این فن مؤثر افتاده است. همچنین ذکر نام و شرح احوال و آثار موسیقیدانان و داشمندان بزرگ و نویسنده‌گان کتابها و رساله‌ها و شارحین و کسانی است که با آشنایی عملی و نظری تسبت به موسیقی، با نوآوریها و تصرفات خود در توسعه و تکمیل این فن کوشیده‌اند؛ نیز شرح احوال و اشاره به نام خوانندگان و نوازندگانی است که عمر عزیز و اوقات گرانبهای خود را در راه کسب و حفظ و توسعه و تکامل این فن شریف صرف کرده و با ضبط در خاطره و نقل سینه به سینه آن را به آیندگان سپرده‌اند، همچنین استادان بنام معاصر و هنرمندانی که در این راه مراحلی پیموده‌اند؛ این بخش را می‌توان تذکرة موسیقیدانان نامید.

درین است از هنری که دریافت و مهارت در آن جز در مدتی طولانی و داشتن استعداد و قریحة‌ای ذاتی و عشق و علاقه و صرف اوقات فراوان و کوشش مداوم و تحمل ناملایمات امکانپذیر تبیه است، و از اهل آن که در غالب دوره‌ها از تعرض و تعقیب و مزاحمت‌های جهال و متعصیین آشیش نداشته و در امان نبوده‌اند و دانسته یا ندانسته در حفظ این میراث ملی کوشیده و واسطه احتقال آن به آیندگان بوده‌اند، تذکره‌ای نوشته نشده است؛ و ارباب قلم و نویسنده‌گان شاید به سبب اینکه این طبقه از هنرمندان با درگذشتستان آثاری از خود به جا نمی‌گذاشتند یا به علی‌دیگر در صدد جمع آوری شرح احوال و خصوصیات هنری آنان بر زیامده‌اند، و اگر مختصر شرح حالی از آنان در کتب تاریخ و ادب و تذکره‌ها و از این قبیل باقی مانده باشد به مناسبت این است که عالم، شاعرو یا حکایت نیز بوده‌اند، و در شرح حال علماء و تذکره شعراء و خوشنویسان، به این هنرآنان نیز اشاره

شده و غالباً در حدیث دیگران ذکری از آنان به میان آمده است و احياناً اندک شرح حالی از ایشان به دست داده اند.

نگارنده با قلت بضاعت، همت بر آن گماشت که تا آنجا که استفاده از مدارک موجود در تهران امکان داشته و مقدورات شخصی اجازه می داده است، هر چند در این مبحث کافی نباشد و به کمال مطلوب نرسد، مجموعه ای از سیر تاریخی و چگونگی فن موسیقی و تغییر و تحول و عواملی که در ترقی و تنزیل آن مؤثر بوده است، و نیز تذکره ای از دانشمندان و نویسندگان و دست اندک کاران این فن ترتیب دهن. سده های پیشین را با بررسی و تتبع در کتب تاریخ و ادب و هنر، و معاصران را با تحقیق از خبرگان و آگاهان فن و بررسی نوشته ها و نشریه ها و از مشاهدات و آگاهیهای خود، تا آنجا که امکان پذیر باشد. هر چند بیشتر کتابها و رساله هایی که درباره موسیقی نوشته شده، در اثر حوادثی که این کشور در طول تاریخ خود در معرض آن بوده، از میان رفته است و معدودی هم که از دستبرد حوادث محفوظ مانده یا در کتابخانه های بزرگ ممالک راقیه مضبوط است که دسترسی به آنها برای نگارنده غیرممکن و ممتنع است، یا اگر در کتابخانه های بزرگ داخلی دولتی و شخصی باشد دسترسی به آنها بیش و کم با همان مشکلات رو برو است. با این حال به مقتصای «مالایدرک کله لا یترک کله» انجام این کار نشده مفید را ملزم شدم و صرف وقت و زحمت را درین راه، خالی از خدمت به فرهنگ و هنر این کشور نیافرتم و با اندک مایه و خبریت ناقصی که داشتم به قدر وسع خویش به انجام آن کسر همت بستم. باشد که این اقدام و تهیه این تاریخ و تذکرة نسبتاً مرتب از موسیقی و موسیقیدانان ایران هر چند دارای نقص، و نارسا باشد و نه کاملاً وافی به مقصود، سبب احیاء نام گروهی از پیشکسوتان این فن و دست اندک کاران آن در سده های گذشته و معاصر گردد، و مقدمه و زمینه و راهنمای کسانی باشد که در این راه قدم می گذارند و در صدد پیشبرد آن بر می آیند و می کوشند تا آیندگان را با مردمی آشنا کنند که در راه حفظ، اعتلاء، و انتقال یکی از هنرها ارجمند ایران با دست تهی و ناکامیهای فراوان رو برو بوده و با همه مشکلاتی که با آن دست به گریبان بوده اند این فن شریف و هنر ارزشی را که عالیترین مظہر هنر قوم ایرانی است، در برابر حوادث عظیم سیاسی و تحولات اجتماعی و رویدادهای ویرانگری که هر یک به تنهایی برای محو تمدن و فرهنگ و هنریک کشور کفایت می کرده، حفظ کرده اند.

لازم به تذکر است که برای به دست آوردن آگاهیهای دقیق درباره استادان سده گذشته و معاصران به سبب کمبود مدارک مدون، استفاده از هنرمندان قدیمی و پیشکسوتان و مطلعین لازم می نمود و با تلاش و تحمل بسیار و صرف وقت فراوان اطلاعاتی از گفته ها و نقل قولهای ایشان به دست آوردم که به خاطر اختلاف عقیده و سلیقه و تناقض گویی و احياناً حت و بعضها دچار

مشکلات بودم. به هر حال پس از بررسی و امعان نظر در مطالب شنیده شده و نقل قولها و مختصر شرح حالی که از این گروه در دست بود و تطبیق و به دست آوردن وجه مشترک، آنچه را که بی شایبه و به حقیقت نزدیکتر یافتم، با کوشش در این که از رعایت و جاده انصاف دور نیفتاده باشم، به رشتہ تحریر درآوردم و بخشی از شرح حال و آثار هنرمندانی که خود دیکته کرده بودند و از دهان آنها شنیده بودم عیناً بی کم و زیاد نقل نمودم و اگر در شرح حال و ذکر آثار گروهی به اختصار بسته کرده‌ام، سببی عدم اطلاع من و سهل انگاری خود آنان بوده که پاسخ درخواست ما را نداده و به مسامحه گذرانده‌اند، و نیز اگر از هنرمندان واجد شرایطی نام بردۀ نشده نظری در کار نبوده و بدان معنی نیست که مایه هنری آنان برای درج در این کتاب کافی نبوده است بلکه سببی عدم آگاهی و دسترسی نداشتن به آنان بوده است؛ نیز لازم به یادآوری است که خوانندگان بامایه و خوش صدا و نوازندگان با استعداد و قریحه اکنون در میان طبقه جوان کم نیستند. شک نیست که شیفتگان این فن با پشتکار و استفاده از مربیان مطلع و زحمت کشیده و معمرین مایه‌دان با سلیقه به مقام استادی ارتقاء خواهند یافت و قضاوت درباره آنها را باید از استادان جامع با صلاحیت معاصر و هنرستانسان آینده انتظار داشت.

در خاتمه همانطور که ضمن این مقدمه معرفوض افتاد با فقدان مدارک و قلت بضاعت علمی و اطلاعات نمی‌توان توقع داشت که مباحثت این کتاب بدون نقص و کامل باشد و چه بسیار مطالعی باشد که ما از آن بیخبریم، و تا آنجا که مقدورات اجازه می‌داد در تهیه این اثر اهتمام گردید. طبیعی است که نمی‌تواند از لغزش و خطأ و استبهاد و افتادگی برکنار باشد، به ویژه که تا کنون سرگذشتی از موسیقیدانان به این تفصیل — تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد — نوشته نشده و تذکره‌ای از این طبقه از اهل هنر ترتیب نیافرته است، این است که از خوانندگان مطلع و دانشمندان و خبرگان اهل فن درخواست دارد اگر به مطلبی که باید ذکر می‌شد و نشده است ویا به لغزش و خطایی برخورد نند، بر من متنه ازراهه ازراه لطف مرا بر اشتباهاتم آگاهی دهند و اگر اهل فن و پژوهندگان، بر کتاب و رساله و نوشته‌ای درباره این فن آگاهی دارند، یا به شرح حال استادانی از خبرگان این فن واقفند با زحمت مکاتبه و یادآوری، متنه راهنمایی بر نگارنده بگذارند تا اگر توفیق چاپ مجدد دست داد در اصلاح ورفع نواقص و جبران مافات بکوشم. برای تمام کسانی که از دانسته‌های خود در دادن آگاهی از معاصرین اهل هنر، مرا یاری کرده‌اند توفیق سلامت و موقیت آرزو دارم.

حسن مشحون

تهران — هزار و سیصد و پنجاه و چهار

